

پرویز مقدم

سینمای کمدی

و ضرورت آن در جامعه

را همین فیلمها بخود اختصاص می دهند. بسیاری از چهره‌های سرشناس سینمایی با هنر خود بخاطر نشان دادن خنده بر لبها و ابتکارات کمیک و شوخی‌های فراموش نشدنی بیاد مانده‌اند.

در این مطلب کوتاه و مجمل بی آنکه قصد تکرار همان حرفها و شرح و تفصیل سینمای کمدی و سبکها و وجوه گوناگون آن در ابعاد مختلف را داشته باشیم، تنها اشاره‌ای داریم بر موقعیت فعلی سینمای کمدی در ایران و تذکر و تأکیدی بر ضرورت آن در سینمای حال کشور و در جامعه. باشد تا این مطلب خود نقطه آغازی باشد بر بحث‌ها و تحلیل‌های جامع و گسترده‌تر و ارائه طرحها و برنامه‌هایی در جهت تشویق و تقویت این شاخه از سینما در کشور.

تا کنون بحث‌های بسیاری در باره سینمای کمدی شده است و تعاریف بسیار گوناگون از آن داده شده است. هر کس به نوعی و به سیاق خود این سینما را معرفی کرده و به تشریح هویت، اهداف و شیوه‌های آن اشاره نموده است. تئوری‌ها و نظرات بدیع، جامع و قابل توجهی از نام آورترین کمدین‌های تاریخ سینما تا مؤلفان سینمایی و نویسندگان کتب مختلف ارائه گردیده است. آنچه که بدیهی و پذیرفته شده است، خصلت عیان و معتبر سینمای کمدی یعنی بالندگی، نوآوری و قابلیت تحول و بدعت‌گذاری آن و جایگاه خاصش در عرصه سینما است. بسیاری از محبوب‌ترین آثار سینمایی در زمره فیلمهای کمدی قرار می‌گیرند و از جمله مهمترین آثار تاریخ سینما



نگاه به گذشته سینمای ایران به جز سایه یأس و دلزدگی از سرگذشت نگون بار سینمای فارسی بر وجود ما نمی اندازد و بالطبع ما را به نتیجه مطلوبی در باره سینمای کمندی در ایران نمی رساند. سینمای کمندی در سالهای پیش از انقلاب زاییده و پرورده سینمای فارسی بوده است. در این دوران بندرت به اثر قابل تأملی در میان انبوه فیلمهای خنده‌دار فسارسی برمی خوریم. سینمای خنده‌دار فارسی پیوند حیاتی با گیشه داشته است، در عین حال که همین سینما چندان بدون هدف نیز نبوده، آگاهانه و یا ناخودآگاه از سیاستها و انگیزه‌های خاصی پیروی می کرده است: استحاله جامعه، پوساندن آن از درون، تثبیت نقش استعماری و استثمارگری این سینما، ایجاد تغییرات سریع در ماهیت جامعه با زائل کردن هویت ایرانی و مذهبی و نابودی استقلال فرهنگی، قومی و سیاسی، تمسخر آداب و سنن و به ابتذال کشاندن هست و نیست این مردم. در این راه بسیاری از سوداگران سینما، این تجار نالایق و ضد هنر و فرهنگ، تنها تقلیدی کورکورانه داشته‌اند از آنان که با زیرکی و شرارت تمام مجری پروژه‌های مخرب و فروریزنده پیکر جامعه بوده‌اند. این دسته از

سازندگان فیلمهای خنده‌دار که شاید فقط بار گناه جهالت و فساد اخلاقی را نسبت به گروه دوم (که باید به جرائم آنان، خیانت و خودفروشی را نیز اضافه کرد) بر دوش می کشند، در آغاز راه با هدف صرف خنداندن مردم فیلم ساخته و یا نگرشی چنین سطحی، به عوامل ایجاد خنده در فیلم، دست یازیده‌اند. برای اینان هدف جز انباشتن کیسه طمع نبوده است. اما در طول این سالهای پر رونق بازار کاسب کاران سینمای خنده‌دار، به تنها چیزی که هرگز اندیشه نشده است، اصل «وسيله» بودن خنده و نه «هدف» بودنش است.

در هر صورت میراث شوم هر دو گروه: از جمله تیپ سازی که بیشتر مبتنی بر خصوصیات فردی (لهجه، ظاهر کمیک و بعضاً مزه‌پرانی های فی البداهه...) بازیگرانی بود که در برهه‌ای از زمان گل کرده و اشتهاری کاذب یافتند، تحقیر و تمسخر اقشار، گروه‌ها و جوامع مختلف، توهین به آداب و سنن و خلق و خوی طوایف و اقوام گوناگون و... که امروزه نیز گاه در سینمای نوین و نحیف، ظاهر می گردد.

يك اصل بسیار مهم که در سینمای خنده‌دار گذشته تقریباً محور بسیاری از فیلمهایی از این گونه بود، نگرش مخرب و موهوع فیلمسازان نسبت به جنسیت زن بوده است. این قبیل سازندگان فیلم با ارادت جاهلانه به فرضیه سست پایه بسیاری از فیلمسازان غربی که: «سینمای کمندی تنها و تنها متکی بر سکس است و بدون آن کمندی نیست» بی محابا و افسار گسیخته، سینمای خنده‌دار فارسی را به چنان بی آبرویی و فضاختی کشاندند که تا سالهای

تا کنون به ندرت به سینمای
کمدی به عنوان یک سینمای
پویا و توانا نگریسته شده
است.

آدمهای بدو خوب مطلق) اضمحلال جامعه و از
هم پاشیدگی کیان خانواده، انواع گناهان
اخلاقی و... حاصل جز محبوب والگو
ساختن بدترین و فاسدترین انگلهای جامعه:
کلفت های بدکاره، ولگردها، اراذل و اوباش،
قماربازها، دلالان محبت، گدایان، سارقین
و... نبوده است.

دراز نمی توان کاملاً اذهان مردم آزاده و با
ایمان را از یأس ویدینی پاک نمود.

ساده انگاری و برخورد ابتدایی و ابلهانه با
مسائل جامعه که در واقع برای جلب رضایت
و برآوردن توقع مختصر قشر عامی و کم سواد
جامعه بوده است، از دیگر خصوصیات
سینمای خنده دار در دوران گذشته است. و اما
محتوا در شیوه کار و روال فیلمسازی کاملاً متأثر
از سیاست کمدی سازی تجارتمی آمریکایی
و ایتالیایی بوده است. مقصود، سینمای کمدی
در خدمت سیاست و سلطه جویی غربی است:
سینمای قدرت نمایی، تبعیض نژادی، فساد
اخلاقی (که متأسفانه اغلب فیلمهای خنده دار
در این سالها، زیر بنای اخلاقی داشته اند با
مضامینی از مسائل خانوادگی و اجتماعی،



وگرایش به سینمای کمدی تا زمان حال نیز ادامه دارد. چه از سوی فیلمسازان و چه از طرف دست اندرکاران امور سینما. علت این امر را باید در ضعف فیلمسازی کمدی در ابعاد مختلف وعدم شناخت از نقش و حساسیت آن دانست.

منکر این نکته نمی توان شد که تجربه لازم در زمینه فیلمسازی کمدی در حال حاضر وجود ندارد، سینمای کمدی، کم بهره از کارگردانان خوش قریحه و صاحب اندیشه و سبک است و همینطور از فیلمسازانی که تسلط و آگاهی نسبی بر تکنیک و فن کمدی سازی داشته باشند. اگر گاه کسانی را می بینیم که به ساختن فیلم کمدی گرایش نشان داده و دست به کار ساختن آن می شوند، انگیزه آنان را بیش از حس ضرورت و تمایل درویشان به سینمای کمدی باید در مهر تصویب فیلمنامه کمیک که از بد روزگار بدست آنان افتاده است، جستجو کرد. اشکال عمده دیگر، مسئله فیلمنامه کمدی است. به عبارت ساده تر پیش از آنکه فیلمساز کمدی قدم پیش گذارد؛ نیاز به نویسنده کمدی و کمدی نویس حرفه ای است.

نویسنندگان فاقد تخصص همچون کارگردان هایی که بناچار دست به کار فیلمسازی کمدی می زنند؛ اگر می نویسند، بخاطر یافتن سوژه ای کمیک است که به آنان امیدواری تصویب و رسیدن به درآمد آنرا می دهد. بدیهی است که اینگونه فیلمنامه ها، همچنان دچار همان اشکالات همیشگی اند: تکیه بر گفتار و نه تصویر. و هنوز گفتار، جملات و متلک های پیش وپسا افتاده و عوام پسند است که به فیلمنامه هویتی کمیک



و اما سینمای کمدی، پس از انقلاب چه کرده است؟ بسیاری مظاهر فاسد اخلاقی و مغایر با شئون اسلامی حذف گردیده است ولی در تعداد اندک فیلمهای خنده دار، همچنان اغلب ضوابط و قالبهای پی ریزی شده در سینمای خنده دار گذشته، چه در فیلمهای سینمایی و چه در نمایشها و برنامه های تلویزیونی بقوت خود باقی مانده اند.

دلیل کم توجهی به سینمای کمدی و کمبود و یا فقدان فیلمهای کمیک در سالهای اولیه پس از انقلاب را می توان در دو عامل جستجو کرد: اول، رکود فیلمسازی؛ و در واقع تعطیل بودن سینما در این سالها و دوم، جو فکری حاکم بر جامعه؛ که ناشی از شور و حال انقلابی و گرایش عمیق مردم به مسائل جدی سیاسی و مبارزه بر علیه رژیم سابق و ابرقدرت ها، اعتقادات ریشه ای مذهبی و نیز تنفر مردم از سینمای گذشته.

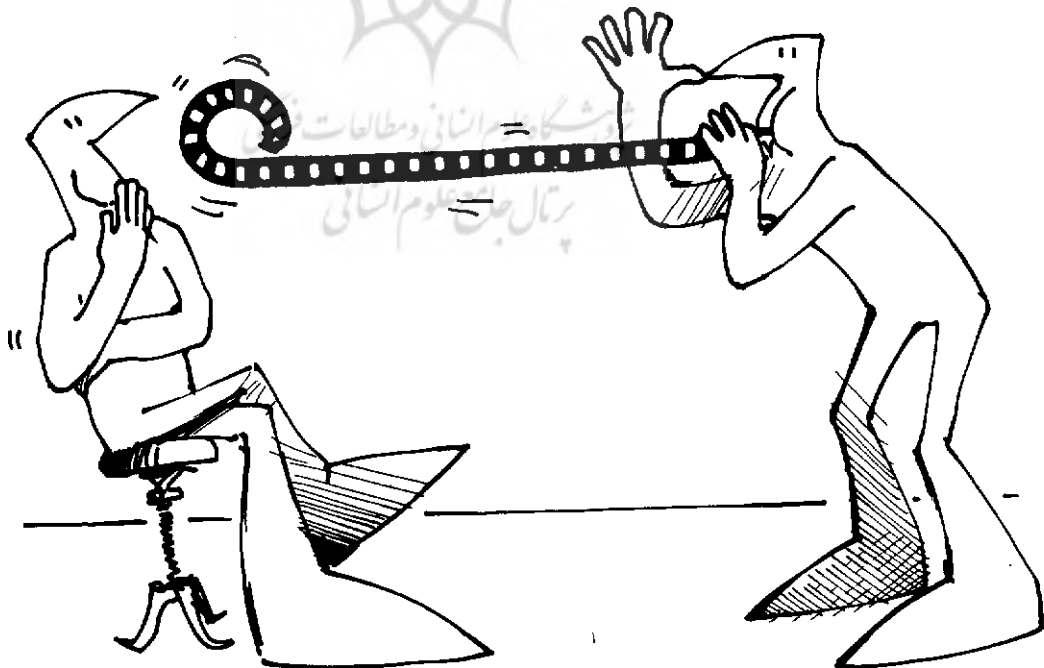
و اما در سالهای بعد که سینما رونق دوباره ای یافت و خیل فیلمسازان جوان که در فضای بازتر و محیط مساعدتر هنری به تلاش افتادند، به یکباره با انبوه فیلمهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، جنگی و تاریخی مواجه شدیم، ولی از فیلمهای کمدی خبری نبود. این عدم تمایل

می‌بخشد و فیلمساز بی تجربه و فاقد قابلیت‌های بهره‌برداری از رفتارها و کاربرد شیوه‌های تکنیکی کمدی تصویری، دست به کار انتقال فیلمنامه بروی فیلم می‌زند و پس از پایان کار با چاشنی و مزه‌پرانی‌های گویندگان در مرحله صداگذاری (که آن خود جایگاه خاص و نقش مهمی در سینمای خنده‌دار دارد و این مقوله بحثی جداگانه را می‌طلبد) بر غلظت و خنده‌دارتر شدن فیلم می‌افزاید.

تا زمانی که بینش نسبت به سینمای کمدی همچنان مبتنی بر اصل «سرگرم کردن مردم» است و گرایش اقتصادی حاکم بر موضوع فضای فیلم است و همچنان ابزارها و شیوه‌های فیلمسازی خنده‌دار، کاربرد دارند؛ فیلمسازان تازه‌کار و حتی پرتجربه از وسوسه به کارگیری این عوامل تضمین‌کننده و اطمینان‌بخش رویگردان

نخواهند بود؛ بازیگرانی که بواسطه تیپ خاصشان گل کرده و اعتماد فیلمسازان را بخود جلب نموده‌اند، محور فیلمهای خنده‌دار خواهند بود.

از فیلمهای کمدی که در این سالها ساخته شده است، بجز یکی دو فیلم از فیلمسازان قدیمی که اهم تجربیاتشان خلاصه می‌شود در کار بازی و ساختن فیلمهای خنده‌دار، بقیه حاصل کار فیلمسازان جوان و تازه‌کار است. اینان بدلیل کمی تجربه و تبجر در روشها و اصول فیلمسازی کمدی، جز راه گذشته نیموده‌اند و تمام تلاششان در تقلید و کپی برداری از کلیشه‌های رایج و زنگ زده گذشته، نظیر بهره‌کشی از يك یا چند بازیگر که دارای خصوصیات کمدیک ظاهری هستند (که در





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اجتماع مادر کمدی است و هر قدر اجتماع پیچیده تر و متنوع تر به عبارتی دیگر پر مسئله تر باشد کمدی می گذارد و سینما گفتار نیست، بلکه تصویر است. سینما باید آفت سینمای گفتار را بر تصویر تسلط

سالهای اخیر اغلب از طریق تلویزیون جلب توجه نموده‌اند) خلاصه شده است. آشکار است که با اینگونه کارهای «جسته و گریخته» این سینما ره به جایی نخواهد برد. کم توقعی و سبک انگاشتن تماشاچی دوام چندانی نخواهد داشت و شرایط زمان حال بیانگر این واقعیت است. اما همین سینما با چنین بضاعت اندک، کاملاً بی بهره از استعدادها نیست. هستند هنرمندانی که به طبع قریحه و خلق طنز پرداز و شوخ طبع خود به این کار روی آورده‌اند. امید بسیاری به «یدالله صمدی» و به آینده او می توان داشت. اگر این فیلمساز جوان و کوشا در کار خود مصمم باشد و سینمای کمدی و توانایی های خود را جدی تر بگیرد حتی در «ایستگاه» که فیلمی است جدی، به خوبی به قریحه طنز پرداز وی بر می خوریم.

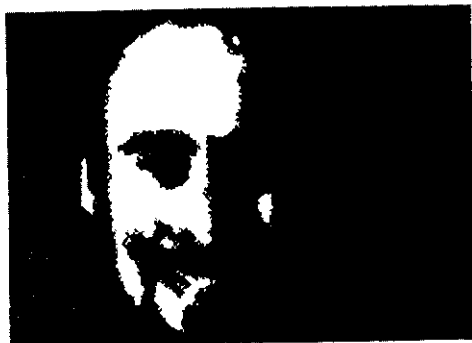
مناسبت دارد که از شاخص ترین فیلم کمدی پس از انقلاب که از خصوصیات يك فیلم خوب کمدی برخوردار است - «خانه آقای حق دوست» - یاد کنیم. داستان فیلم عمیقاً بر مضمونی شعاری و تبلیغی استوار است، با این همه، میزانشن آگاهانه «محمود سمیعی» که با این فیلم خود را فیلمسازی خوش فکر نشان داده است به نرمی و شیوایی، این پیام تبلیغی را در قالب داستانی و دریافتی دراماتیک بر دلها می نشاند. هرچند کار او کاملاً مبتکرانه نیست و نمونه های زیادی از آن را چه در زمینه مضمون و ساختار فیلمنامه، و چه در شکل کارگردانی در سینمای کمدی کلاسیک دیده ایم، اما آنچه که حائز اهمیت است، هشیاری این فیلمساز است در انتخاب اجزاء و ظرایف و لطافت سینمای

کمدی. جای تأسف است که به هر دلیل، پس از چند سال، کار تازه تری از او ندیده ایم. بازیگران عرصه سینمای کمدی را از یاد نبریم. بازیگر کمدی علاوه بر تجربه و آگاهی هایش بواسطه خصوصیات ظاهری (شکل و شمایل، اندام، اداها و میمیک های خاص خود) و توانایی های ذاتی (خوش فکری، سرعت انتقال، قوه ابتکار، کنش و واکنش های سریع و آنی و...) نقش مهم در سینمای کمدی دارد. در بین عده معدود و انگشت شمار بازیگران کمدی باید به «حمید جلیلی» اشاره ای کنیم که بالنسبه واجد صفات فوق است. این بازیگر خوش فکر و دقیق با رعایت حزم و احتیاط (علی الظاهر) تا کنون خود را از ورطه ابتذال و سقوط در سینمای مهمل و تجارتنی رها نکرده است و او به همین دلیل ناچار است دقت بیشتری در انتخاب نقش ها داشته و با مطالعه هرچه بیشتر و کسب تجربه و تقویت خصوصیات فردیش، به هنر خود ارزش و اعتبار بیشتر بخشد. دیگری «مهدی هاشمی» است. نقش آفرینی های خوب او را در سریالها و فیلمهای سینمایی در سالهای اخیر بیاد داریم، این هنرمند اساساً بازیگری کمیک است ویرغم کارهای شایسته ای که از او تا کنون عرضه شده است چنین بنظر می رسد که بسیاری توانایی های وی ناشناخته مانده که باید با کارهای برجسته تر در سالهای آینده کشف گردند.

و اما چرا باید به سینمای کمدی توجه بیشتری نشان بدهیم و چه اهمیتی دارد که این نوع سینما را بیش از آنچه که امروز در سینمای ما حضور دارد مطرح سازیم؟

و گذران وقت و خنده را تداعی کرده است و ما بی آنکه بخواهیم این وجوه را نفی کرده، غیر لازم بدانیم، نقش ارزنده‌تر و پر اهمیت‌تری را که سینمای کمدی می‌تواند دارا باشد، مورد توجه قرار داده، به آن می‌پردازیم.

تا کنون بندرت به سینمای کمدی بعنوان يك سینمای پویا و توانا نگریسته شده است. اصولاً ظهور آثار کمدی پیوسته در عرصه رویدادهای هنری و فرهنگی در حد يك واقعه کم اهمیت تلقی شده و واکنش جامعه نسبت به آن، علیرغم توجه و علاقمندی نسبی، فاقد احترام وجدی نگری درخور بوده است. معایب کار را برشمردیم و به دلایل زمینه‌ساز اینگونه واکنش‌ها اشاره داشته‌ایم. اکنون بیش از هر چیز ضروری است چنین بینش غلط و ناسالمی را بزدایم و به نقش پر اهمیت و قابلیت‌های بسیار زیاد کمدی پرداخته، اذهان را، با عرضه آثار وزین و ارزشمند، به احترام لازم نسبت به سینمای اصیل کمدی واداریم. سینمای کمدی سازنده و برخاسته از فرهنگ و هنر غنی و توانمند هنرمندان واقعی، بسرعت جامعه را متحول ساخته، اثرات بسیار مهمی را بر جای می‌گذارد. این سینما با نیروی بالقوه خود، هر پیامی را بسیار قوی‌تر از دیگر هنرها به گوش جان مخاطبینش می‌رساند. سینمای کمدی با زبان محکم و بیان دلنشین و تأثیرگذارش بخوبی قادر است هر آنچه که سینمای سیاسی، اجتماعی، عاطفی و حتی جنگی و... قادر به بیان آن نمی‌باشند، وصف کند و یا چنان سرعتی در عمق جامعه نفوذ نماید که بر آوردن تأثیرات آن از طرق دیگر، سالها تلاش همه جانبه فرهنگی را طلب می‌کند.



کمدی در تاریخ سینمای ایران سرگرمی

از سوی دیگر پیوند عمیق و تنگاتنگ این سینما با موضوع روانشناسی انسانها به آن اهمیت بیشتری می دهد. مسائل پیچیده روانشناسی، جامعه‌شناسی و امور تعلیم و تربیت و بطور کلی روابط اجتماعی (گرفتاری های بفرنج جامعه، جرائم، فسادهای اخلاقی، از هم پاشیدگی کیان خانواده، عصیتهای مشکلات تربیتی و...) از جمله مسائلی هستند که با وسیله اثرگذار و توانای سینمای کمدی، موفق تر می توان به آنها پرداخت و به نتایجی مثبت رسید. شرایط خاص اجتماعی امروز چنین درمانی را می طلبد و به آن نیاز دارد. امروزه جامعه ما بواسطه درگیری با مسائل مهم اجتماعی، بیش از هر زمانی در سینما نیاز به دارویی قوی یعنی تنوع و نشاط روح دارد. خنده چیزی است که در هر شرایطی جامعه نسبت به آن علاقه نشان می دهد و البته مقصود، خنده ناشی از بی خیالی و تخدیر روح نیست.

در سالن های سینما ویا پای تلویزیون آدمهایی را می بینیم که با مشاهده يك نما ویا صحنه بظاهر كميك از يك فیلم ویا برنامه جدی، شليك خنده را سر می دهند و بیش از آنچه که در خور صحنه ویا گفتار آن است به آن توجهی نشاط انگیز نشان می دهند و جالب این جاست که خود بیننده خندان بخوبی از زیاده روی اش در واکنش سرخوشانه نسبت به موضوع آگاه است. او به این خنده نیاز دارد. این نیاز و تقاضا ناشی از کدام شرایط و خصوصیات روانی وی ویا عوامل بیرونی است؟ آنگور که نویسندگان و مفسرین سینمای کمدی در فرضیه های خود ایراد کرده اند؟

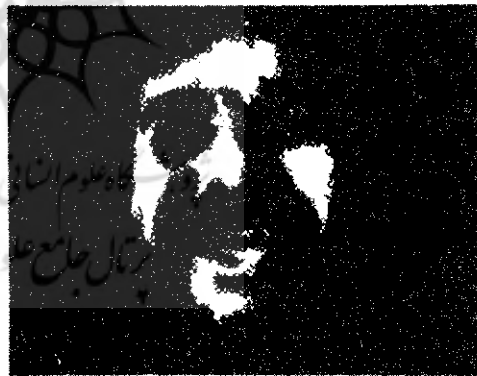
به خاطر حس غرور و خودخواهی یا برتری جویی، طغیان و جوشش غرایز انسانی، گریز از قیود و بندهای مختلف فکری ویا در اثر خستگی روحی، یکنواختی و مرارت های زندگی اجتماعی و مصائب زندگی ماشینی و سردرگمی در دنیا ی شلوغ و بیج در بیج امروزی؟ ویا همه اینها؟ انسان تنوع طلب است، برای تجدید حال و تمذید روحیه او به تنوع در خوراك روحی محتاج است، اثرات ناشی از فقدان این کالری در جامعه (که این بر می گردد به سستی و تعلل متفکرین، هنرمندان، نویسندگان و هدایت کنندگان فکری و فرهنگی جامعه در ارائه غذای روحی متنوع و کامل به فرد و جامعه) از دو حالت خارج نخواهد بود. یا جامعه بشدت دچار بیماری روحی می شود که عواقب این بیماری در ناسلاستی جامعه بر کسی پوشیده نیست؛ ویا هر فرد اجتماع خود بدنبال غذایی، که بالطبع نامطبوع فاسد و زیان آور است، خواهد گشت که عوارض مخرب تر آن، آسیب بیشتری بر پیکر بیمار جامعه می رساند؟ کافی است از سویی به عصیتهای، برخورد تند و رفتارهای نامطبوع و غیر مسالمت آمیز و از سویی دیگر به عناوین نمایش های کذایی وی ارزش صحنه ای که این روزها در گوشه و کنار شهر (اغلب در هتل های درجه دو و سه) به اجراء گذاشته می شوند و غالباً و متأسفانه مهمترین مسائل اجتماعی را به تمسخر گرفته و به ابتذال می کشانند، نگاهی بیندازیم و یا به شوخی هایی که دهان بدهان می گردد ویا مضامینی از شایعات سیاسی، مشکلات اقتصادی و مسائل اجتماعی (که ناشی از نابسامانی های پذیرفته شده ویدیهی در شرایط

سینمای کم‌دی سازنده
و برخاسته از فرهنگ و هنر
غنی و توانمند به سرعت
جامعه را متحول ساخته
و اثرات بسیار مهمی را بر
جای می‌گذارد.

و حمایت بیشتر از این سینما، حاصل
می‌شود. تنها اشاراتی به توانایی‌های
سینمای کم‌دی داریم.

کاربرد سینمای کم‌دی در قلمرو سیاست
و مسائل سیاسی، و انتقاد از سیاست
و سیاست‌گزاران، مورد بهره‌برداری قرار گرفته
است. سالهاست که سینمای کم‌دی ابزاری
کارساز در جهت اهداف استعماری و سیاست
انتقال سهل و سریع برنامه‌های کشورهای غربی
برای استیلای فرهنگی و سیاسی بر ملل عقب
نگه داشته شده، قلب حرکتها و نهضتها
و جلوه‌دادن ماهیت آنها به شکل دلخواه در
اذهان جهانیان است. دیر زمانی است که
فیلمسازان و سینماگران وابسته غربی با ساختن
فیلمهای کم‌دی، فرهنگ و سنن، مبارزات ضد
استعماری و آئین و مذهب ملل جهان سوم را به
تسخیر و استهزاء گرفته و می‌گیرند. «جری
لوئیس» کم‌دین آمریکایی در فیلم «سرباز
ساده‌لوح» با مسخره بازی هایش تماشاچیان
ساده‌لوح را مجذوب خود کرده و نهضت و مبارزه
مسلحانه جماعتی در کشور مراکش را به

حال هستند) توجه کنیم. عوارض منفی و اثرات
منحرف‌کننده این نمایشها و انتقال دهان بدهان
این شوخی‌های بظاهر خنده‌دار و سرگرم‌کننده
که اغلب ساخته فکر عوامل مغرض، ناسالم،
سودجو، بی‌فرهنگ و یا بدخواه انقلاب
هستند، گاه تا حدی است که سرعت اذهان را
به سمتی کاذب و خلاف واقعیت سوق داده، در
واقع عکس‌العمل‌های ناخواسته عجولانه
و نادرستی را باعث می‌گردند. بدین لحاظ،
نقش سازنده و بسیار خطیر نهادهای فرهنگی
نظیر سینما، تلویزیون و مطبوعات در ارتباط با
این مهم یعنی مسئله تفریح روح و تنوع روحیه
انسانها، بیشتر آشکار می‌گردد. و به این
ترتیب سینمای کم‌دی در این مسیر سهمی بسزا
می‌تواند داشته باشد.



سینمای کم‌دی در عرصه سینمای کشور
می‌تواند سرعت و به سهولت به موفقیتی
چشمگیر برسد. چرا که حصول به آن از
ساختن فیلمهای پرخرج و لبریز از شعار
و گزافه‌گوی جدی آسان‌تر است.

قصد ارائه الگو و نمونه را نداریم. این امر
مهم به تجربه و مطالعه و گسترش زمینه‌ها

فضاحت می کشاند و از آنان چهره آدمهایی
وحشی و بدور از تمدن عرضه می دارد.

سالهاست که ما خود را از يك سلاح
فرهنگی مؤثر در جهت مقابله به مثل با
توطئه های سیاسی و تهاجمات تبلیغاتی محروم
ساخته ایم. «استانلی کوبریک» با ساختن «دکتر
استرنج لاول» مهمترین و وحشت آورترین
نگرانی مردم دنیا یعنی جنگ اتمی (جهانی
سوم) را تنها به مدد بیان کیمیک توانست ارائه
دهد. او با آگاهی تمام، تکنیک غرور و عظمت
ظاهری و پیشرفت علمی ابرقدرتها را که در
خدمت غرایز حیوانی و نفسانیات بکار گرفته
می شوند، در قالب طنز به تمسخر گرفته و به
هیچ می انگارد. اما این؛ همه حرف در باره
سینمای کمدی نیست.

سینما گفتار نیست، بلکه تصویر است.
بیکباره باید آفت سینمای کمدی یعنی تسلط
گفتار بر تصویر را زدود این سینما بیش از
هرچیز به حرفی نو و ابتکار و خلاقیت نیازمند
است. اگر چارلی چاپلین نامی جاودانه در
تاریخ سینما است، نه فقط تعلق او به سینمای
کمدی کلاسیک و بدعت ها و نوآوری هایش در
دوران صامت سینماست که به آثار ارزشمند وی
جایگاه خاصی در تاریخ سینما می بخشد بلکه
علاوه بر این امتیازها، خصوصیات ذاتی
و پیامهای والایی او همچون انتقاد از مسائل
اجتماعی، هشدارها، سازندگی و آگاه سازی
و... است که او را تا حد يك اسطوره به فراز
می کشانند. چاپلین تماشاگرش را
می خنداند تا دل او را به درد آورد و تیرازدی
غمبار زندگی و اوضاع اقتصادی، سیاسی
و اجتماعی زمان خود را بشناساند. او از خنده





سینمای کمدی فقط سینمای خنده نیست، ساده‌اندیشی است اگر فیلمسازی تمام هم و سعی خود را صرف به قهقهه کشاندن تماشاگرش در سالن سینما کند. این سینما پیش از هرچیز نیاز به اندیشیدن دارد. اگر «ژاک تاتی» فیلمساز صاحب سبک کمدی فرانسه بین دو فیلم «تعطیلات آقای اولو» و «دایی جان» از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۸ (یعنی شش سال) فاصله می‌گذارد و ۱۰ سال بعد فیلم (Pfaltyme) را می‌سازد، برای این است که او به پرکاری اعتقاد ندارد. تمام تلاش «تاتی» معطوف به اندیشیدن می‌شود، یافتن روشهای نو و قالبهای ظریف و زیبا برای گفتن حرفهای بسیاری که در عمق وجود خود دارد. بسیاری لحظه‌های فیلم تاتی بیاد ماندنی و لبریز از پیام و ابتکار و خلاقیت است. سینمای کمدی تاتی خاص خود وی است و نه کس دیگر و نه تقلید و کلیشه. «مل بروکس» و «وودی آلن» نیز جنجال آفرینان سینمای کمدی بخاطر نوآوری هایشان هستند. در سینمای وودی آلن همیشه حرفی گفته نشده و تازه وجود دارد و مل بروکس هرگز لحظه‌ای از بدعت در فیلمهایش غافل نمی‌ماند، هرچند که او را سینماگری مالیخولیایی که میل به ویران

و عوامل خنده بعنوان ابزاری کارآمد و دست‌آویزی مناسب برای القاء مقاصد و جا انداختن پیامش بهره می‌جوید. نبوغ، در کنار احساس مسئولیت وی است که او را از دیگر هنرمندان کمدی هم دوره و بعد از او جدا می‌سازد. «هارولد لوی»، کمدینی تواناست، اما تمام هنر او در تکنیک کمدی و تبحرش در خلق لحظات کمیک و سرگرم کننده خلاصه می‌شود. «برادران مارکس» فیلمهای بیاد ماندنیشان نظیر «فروشگاه بزرگ» با بوجود آوردن وقایع اتفاقی و غیر مترقبه با چاشنی ابتکارات و هنر نمایی‌های شخصی هدف سرگرم ساختن تماشاچی را دنبال می‌کنند. «لورل و هاردی» از شگردهای سرگرم کننده با تحریک اعصاب بیننده و با استفاده از حرکات و وقایع کلیشه‌ای نظیر پرتاب کیک و آسیب رساندن به یکدیگر، شعار همیشگی و معروفشان «همیشه بخند» را پیاده می‌کنند. سینمای کمدی امروز به راهی دیگر می‌رود. سالهاست که این شگردها کهنه و فرسوده شده و از جلا افتاده‌اند و دیگر لبخند بر لب‌ها نمی‌نشانند.



ویاری، خود را به کام لودگی و هواهای نفسانی می اندازد. سکس یکی از مواردی است که او را در سقوط به این قهقهرا کمک می کند. اما مقوله اخلاق در سینمای کمدی در واقع اصالت دادن به ضد ارزشها نیست، بلکه همانا بررسی واقع گرایانه ضد ارزشها و ارزشها است به شیوه‌ای کمیک و نتیجه‌گیری اصولی و عاقبت منکوب کردن بدیها و تقدیر از خوبی‌ها:

«ازدواج مردی بسیار بلند قامت با زنی بسیار کوتاه قد، مسائل اخلاقی و اجتماعی زیادی را بدنبال می آورد. بررسی وقایع ناشی از چنین پیوند نامناسبی می تواند از سویی به فساد اخلاقی و گمراهی طرفین و در نتیجه به بدآموزی دچار شود و از سوی دیگر به ریشه‌یابی دقیق و درخور ارزش مسائل اجتماعی نظیر فرهنگ غلط، تسربیت نامناسب، مستهای کهنه و جاهلانه، مشکلات اقتصادی و یا حتی سیاسی و... و به اثرات و عواقب آنها و عاقبت به سرانجامی اخلاقی و پندآموز بیانجامد.»

از این رو داستان کمدی اصلاً بر اساس روابط و برخورد انسانها با یکدیگر در اجتماع بوقوع می پیوندد. ما حتی در فیلمهای کمدی تاریخی، سیاسی و جنگی محور ماجراها را نه



کردن دنیا دارد می دانند و آشارش را جز دیوانگی های دلچسب نمی نامند.

برای تشریح و تبیین دقیق تر کمدی و نقش پر اهمیت آن در عالم هنر، لازم است به اصولی چند که این بنا را پایدار نگه می دارند و ضامن بقا و دوام آن هستند به اختصار اشاره‌ای کنیم: اخلاق، اجتماع، انتقاد و آزادی از جمله این اصولند.

اخلاق در سینمای کمدی منزلت خاصی را داراست، و همین در سینمای فقط خنده‌دار جای خود را به ضد خود می دهد. فساد اخلاقی اصل می شود و بدآموزیهای اخلاقی پیام والگو می گردند. اگر سکس در سینمای کمدی غرب اهمیت می یابد، بدین دلیل است که در حیطه ضد اخلاق در جامعه و سوء تربیت اجتماعی نقش عمده‌ای را داراست. سکس انسان را از حدود و مقررات سخت و وظایف دشوار اخلاقی و مذهبی خارج می سازد و انسان غیر مسئول و بی فرهنگ، بدلیل تمایل به گریز از قیود اخلاقی و سرپیچی از رعایت اصول انسانی و وجدان که بالاچار او را مطیع و منقاد قوانین الهی و اجتماعی می سازند، برای خلاصی از این مقررات و بهره‌مندی از لذت‌ها بودن در بی بند

تفاوت بین دو نگرش به مسئله عادت انسان، در این است که در مورد دوم دیگر ما فقط نمی خندیم بلکه بفکر نیز فرو می رویم و شدیداً از آن متأثر می شویم. و همین مورد است که با اصل انتقاد پیوند یافته و آن را معنا می بخشد. انتقاد از آنچه که در جامعه مقبول افتاده است



و کلیت یا بخش وسیعی از جامعه را تابع و مسخر خود ساخته و به اصطلاح سنت جامعه شده است، کاری حساس و مخاطره آمیز است. بدین نحو فیلمساز کمندی حدود مسئولیت و صلاحیت خود را تا بدانجا می گستراند که می تواند داعیه تغییر دادن و متحول ساختن جامعه بر اساس تئوریهای خود را داشته باشد. و یا صرفاً قصد انتقاد و افشاگری داشته باشد. و این جاست که پای «آزادی» و «آزادی عمل» به میان کشیده می شود. در صورتیکه این فضای باز (در حد کنترل) و آزادی عمل برای فیلمساز وجود نداشته باشد، روشن است که دستهای فیلمساز بسته می ماند و ذوق و قوه ابتکار در او کور شده و جسارت و جرات وی سرکوب می گردد.

سینمای کمندی متعلق بیک جامعه آزاد و مستعد و آماده پذیرش انتقادها است و در این جامعه است که این سینما هدف دار و سازنده، و فیلمساز صاحب فکر و سبک خواهد بود و گرنه

در فضای فیلم بلکه بر اساس برخورد انسانها و در واقع مبتنی بر اصول روانشناسی می بینیم. و آنچه که بیش از هر چیز ما را به جو کمندی در فیلم نزدیک می کند، موفقیتها و نتایج این روابط و برخوردهاست. بنابر این اجتماع مادر کمندی است و هر قدر اجتماع پیچیده تر و متنوع تر و به عبارتی دیگر پر مسئله تر باشد اثر بیشتر بر توان و بار کمندی می گذارد.

و انتقاد دستمایه اصلی یک کار کمیک است. انتقاد از هر آنچه که بظاهر غیر طبیعی و نامتداول و خارج از عادت است. عادت، خو گرفتن انسان است به هر چیز، چه منطقی، درست و اصولی و چه غیر منطقی و نادرست و غیر اصولی. هر آنچه که غیر از عادت (منطق و عقل) در پیش روی ما ظاهر شود، طبیعی است که لبخند بر چهره ما می نشاند.

باید همچون گذشته‌های طولانی دل به مهمل بافی، لودگی، دلک بازی و... تحت عنوان سینمای کمدی بدهیم.

«فردی از دیوار بالا می رود و به راه رفتن خود در سقف بطور آویزان ادامه می دهد. کسی به طرف صورت دیگری شیرینی خامه‌ای پرتاب می کند، ضربه پتکی آهنین بر سر مردی قوی هیکل بی اثر می ماند. مردی خود را در مقابل آینه آراسته می کند اما در اثر فراموشی بدون شلواز از خانه خارج می شود.» از سوی دیگر عادت به عمل نادرست و غیر اصولی، وقتی به شیوه‌ای غیر عادی با همان حسی که در اولین برخورد با آن مواجه می شویم یعنی به روشی منطقی و حقیقی ارائه شود، باز هم به کمدی نزدیک شده است. ژاک تاتی در فیلم ترافیک مردمی را نشان می دهد که در پشت چراغ قرمز در راه‌بندان اتومبیلها دست در بینی

می کنند، او با به تصویر کشیدن لحظه‌ای از زندگی مردم و عادت ناشایست آنان دست به يك جامعه شناسی و بررسی خصوصیات جامعه و معرفی شخصیت يك اجتماع می زند؛ آویزان شدن مردی از اتوبوس مملو از مسافر؛ مقایسه هجوم کارگران يك کارخانه در لحظه ورود و یا خروج به محل کار، با گله گوسفندانی که به آغل می روند یا خارج می شوند، از این نمونه‌اند.

انتقاد دستمایه اصلی يك کار كميك است، انتقاد از هر آنچه که به ظاهر غیر طبیعی و نامتداول و خارج از عادت است.

